

## رویه قضایی در خصوص تغییر یا افزایش خواسته در روند دادرسی

محسن صالحی<sup>۱</sup>، علیرضا ایرانشاهی<sup>۲</sup>

### چکیده

ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، تا پایان اولین جلسه دادرسی به خواهان فرصت داده تا خواسته خود را به هر علت، مشروط به اینکه با دعوای طرح شده مربوط و منشأ یکسان داشته باشند تغییر و یا افزایش دهد. پذیرش این خواسته بعد از زمان مقرر تخلف انتظامی قضایی محسوب شده، و حکم به میزان بیشتر از خواسته جهت اعاده دادرسی را نیز برای متظلم فراهم می آورد. پذیرش صحیح این خواسته از سوی قضات هم از اطلاع دادرسی و حجم وسیع دعوای یکسان و تکراری کاسته و هم عدالت قضایی را فراهم می آورد. تغییر یا افزایش خواسته در اولین جلسه دادرسی مجوز اقامه دلیل جدید از طرف مدعی نیست اما اصل تناظر به خوانده امکان می دهد چنانچه نیاز به دفاع جدید بوده و آمادگی دفاع نداشته جلسه دادرسی را تجدید و در صورت عدم حضور خوانده علت تجدید جلسه را در اخطاریه تصریح نماید. رویه قضایی در چگونگی تغییر خواسته یا درخواست، افزایش خواسته و تغییر نحوه دعوا همچنین زمان و چگونگی طرح آن توسط خواهان و تصمیم دادگاهها در پذیرش هر یک این موارد و صدور حکم در این باره متفاوت است. ضمن اینکه موارد فوق حکایت از استثنائات اصل تغییر ناپذیری عناصر دعوا در آیین دادرسی مدنی دارد. از این رو در این نوشتار هر یک از موضوعات مطرح شده بررسی خواهد شد.

**کلیدواژه ها:** افزایش خواسته، تغییر خواسته، تغییر درخواست، تغییر نحوه دعوی، وحدت منشاء، رویه قضایی، پایان اولین جلسه دادرسی

### مقدمه

در دعوای مدنی ابتدا خواهان باید برابر قانون به طور صریح و منجز خواسته و بهای خود را تعیین کند تا مشخص باشد که از دادگاه چه می خواهد و سپس توقع رسیدگی به آن را در مراجع ذی صلاح داشته باشد. دادرسی نیز صرفاً بر اساس آن چه از او خواسته شده است باید به صدور رأی بپردازد و نمی تواند به غیر آن و بر حسب امر ذهنی خود تصمیم گیری کند. به عنوان نمونه اگر خواسته خواهان الزام به تنظیم سند رسمی باشد و دادرسی بعد از استعلام متوجه شود ملک در رهن است نمی تواند خواسته نادرست مطرح شده را به فک رهن تغییر دهد (امامی، آقازاده، ۱۳۹۲: ۹). سؤال این است که آیا آخرین فرصت تغییر خواسته زمان تقدیم دادخواست به دادگاه می باشد و بعد از آن هر خواسته دیگری را

<sup>۱</sup>- دانشجوی رشته حقوق خصوصی دانشگاه ورامین

<sup>۲</sup>- عضو هیأت علمی رشته حقوق دانشگاه ورامین

باید در دادخواست جداگانه تقدیم دادگاه نمود و یا اینکه خواهان اختیار تغییر خواسته و یا افزایش آن را، در روند رسیدگی نیز خواهد داشت؟

مطابق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی<sup>۲</sup> و با توجه به رویه قضایی دادگاه ها در تغییر یا افزایش خواسته و این که عملاً این امکان وجود دارد که بعد از تقدیم دادخواست به هر علتی خواهان، خواسته خود را افزایش یا تغییر دهد و اینکه تا چه زمانی و چگونه و با چه شرایطی این امکان وجود خواهد داشت و سپس تکالیف دادگاه ها و نحوه مواجهه با این چنین پرونده هایی که هم به عدالت دستگاه قضایی نزدیک تر باشد و هم باعث اطاله دادرسی نگردد و از حجم عظیم پرونده های قضایی کاسته شود، چگونه خواهد بود. همچنین آیا در این خصوص رویه قضایی به معنای خاص خود که همان آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور که لازم الاتباع برای دادگاه ها باشد وجود دارد یا تنها شیوه و عادت دادگاه ها و مراجع قضایی برای این مسأله خاص یعنی رویه قضایی به معنای عام وجود دارد در این مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

#### ۱- افزایش خواسته

خواهان ممکن است در هنگام تقدیم دادخواست، به دلایلی نتوانسته همه خواسته های مورد نظر خود را در دادخواست مطرح کند یا بعد از اقامه دعوی، اوضاع و احوال جدید پیش آمده که قبل از اقامه دعوا وجود نداشته یا اگر وجود داشته، بعد از تقدیم دادخواست متوجه آن شده است. ضمن اینکه دادرس براساس آن چه از او در دادخواست خواسته شده اظهار نظر می کند و نمی تواند خارج از آن اتخاذ تصمیم نماید(زندى، ۱۳۸۹: ۳۱۱). در چنین مواردی، ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی به خواهان اجازه داده که به جای اقامه دعوی مستقل دیگری، در همان پرونده، خواسته های جدید را به خواسته اولیه اضافه نماید. ضمن اینکه افزایش خواسته نسبت به خواسته هایی امکان دارد که کاهش آن نیز امکان داشته باشد. اگر خواهان در دعوی اجرت المثل ملکی مبلغ مشخصی را خواسته باشد می تواند همین مبلغ را افزایش دهد اما نمی تواند مبلغی را نیز بابت اجرت المثل ملک دیگر خود که همان خواننده غصب نموده به آن بیافزاید چون با هم ارتباطی ندارند هر چند منشأ یکی است. همچنین خواهان در دعوی اجرت المثل ملکی مبلغی را خواسته باشد نمی تواند به عنوان افزایش خواسته مبلغی را نیز به عنوان خسارت وارد بر همان ملک به آن بیافزاید چون منشأ یکی اجرت المثل (غصب) و منشأ دیگری خسارت (اتلاف و تسبیب) است(میرفردی، ۱۳۹۲، ص ۳۱).

افزایش خواسته نقطه مقابل کاهش خواسته است یعنی امکان افزایش خواسته ای وجود دارد که کاهش آن امکان داشته باشد. برای مثال یک دعوی حقوقی بین شخص «الف» و «ب» در دادگاه حقوقی به خواسته اثبات مالکیت سه دانگ از

---

<sup>۲</sup>-خواهان می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده در تمام مراحل دادرسی کم کند ولی افزودن آن یا تغییر نحوه دعوا یا خواسته یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا اولین جلسه آن را به دادگاه اعلام کرده باشد.

شش دانگ زمین در جریان است و اساس خواسته مبیعه نامه عادی خرید اشتراکی زمین توسط خواهان و خوانده پرونده از «ج» می باشد. شخص «ج» از موضوع مطلع شده و به عنوان ثالث در خواسته ای تقاضای ابطال بیع به جهت جعلی بودن مبیعه نامه عادی از دادگاه می نماید، در این دعوی حقوقی امکان کاهش خواسته از طرف ثالث نمی باشد یعنی نمی توان تصور کرد که مبیعه نامه ای که از اساس وجود حقیقی نداشته و براساس حيله و تقلب بوجود آمده قابل تجزیه باشد که مثلاً برای شخص «ب» صحیح و برای دیگری جعل باشد، یعنی چون در این دعوا امکان کاهش خواسته از یک جنس وجود ندارد امکان افزایش خواسته نیز از همان جنس وجود ندارد هر چند که می توان افزایش خواسته از جنس دیگر را تقاضا نمود یعنی می توان اجرت المثل ایام تصرف را از متصرف خواستار شد.

سؤال این است که آیا افزایش یا تغییر خواسته، پس از ثبت و ابلاغ آن به خواننده و شروع جلسه رسیدگی امکان دارد یا خیر؟ در صورت امکان این تغییر چگونه امکان پذیر است؟ آیا باید دادخواست داد یا درخواست؟

#### ۱-۱- مصادیق افزایش خواسته

افزایش خواسته که به موجب قانون باید تا پایان اولین جلسه دادرسی با شرایط خاص مطرح شود می تواند هم به صورت افزایش در مقدار کمی خواسته یعنی خواسته از همان جنس افزایش یابد و هم افزایش تعداد آن یعنی افزایش خواسته از جنس دیگر باشد<sup>۳</sup> (مهاجری، ۱۳۸۷: ۴۳۸).

#### ۱-۱-۱- افزایش مقدار کمی خواسته

مانند اینکه خواسته اولیه خواهان مطالبه یک صد هزار تومان وجه استقراضی بوده ولی بعد از اقامه دعوی متوجه می شود که در واقع مبلغ یک میلیون تومان از خواننده طلبکار بوده است. در این حال می تواند خواسته خود را به مطالبه یک میلیون تومان افزایش دهد.

#### ۱-۱-۲- افزوده شدن خواسته به گونه دیگر

---

<sup>۳</sup> به عنوان مثال اگر خواسته افزایش یافته توسط خواهان، مطالبه اجرت المثل باشد که مستلزم جلب نظر کارشناس دادگستری است، در این مورد، به استناد بند ۱۴ ماده ۳ قانون نحوه وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳، خواهان در زمان افزایش خواسته، مبلغ ۲۰۰۰ ریال تمبر الصاق و ابطال می نماید و بقیه هزینه دادرسی پس از تعیین خواسته و صدور حکم دریافت خواهد شد. همچنین در دعوی مربوط به اموال غیرمنقول که هزینه دادرسی به استناد بند ۱۲ ماده ۳ قانون مذکور، بر اساس قیمت منطقه ای ملک وصول می گردد، چنانچه خواسته افزوده شده نیز غیرمنقول باشد هزینه دادرسی مربوط بر اساس قیمت منطقه ای ملک وصول می شود نه بهایی که خواهان برای خواسته افزوده شده تعیین کرده است. در مثال فوق الذکر، اگر دعوی مربوط به مال غیر منقول (مثلاً یک واحد آپارتمان) باشد هزینه دادرسی مربوط به الزام به تنظیم سند رسمی و همچنین تحویل مبیع بر اساس قیمت منطقه ای ملک محاسبه و از خواهان وصول می گردد.

شیوه دیگر این گونه است که خواسته از جنس دیگر به خواسته تصریح شده در دادخواست افزوده شود. به عنوان مثال، خواسته خواهان تخلیه عین مستأجره است، بعداً پرداخت اجور معوقه را نیز بدان می افزاید، و یا اینکه ابتدا دادخواست تأیید و تنفیذ معامله را تقدیم کرده و بعداً الزام به تسلیم و تحویل مورد معامله را هم به آن اضافه می نماید. یا خواسته اولیه خلع ید بوده و سپس مطالبه اجرت المثل ایام تصرف غاصبانه را نیز به آن اضافه می کند. یا اینکه خریدار بعد از انجام معامله و پرداخت ثمن به فروشنده متوجه می شود که در معامله دچار غبن فاحش شده و بر این اساس، دادخواستی به خواسته تأیید فسخ تقدیم دادگاه می کند اما قید استرداد ثمن را در دادخواست فراموش می نماید. یا در دعوی خلع ید، بعد از تقدیم دادخواست، خواهان متوجه می شود که خواننده در ملک موضوع دعوی مبادرت به احداث بنا هم نموده است. در هر دو مورد مذکور، خواهان می تواند استرداد ثمن یا قلع و قمع بنا را نیز به خواسته اولیه خود بیافزاید.

### ۱-۲- آثار افزایش خواسته

هر اقدامی از سوی خواننده موجب خواهد شد در تصمیم گیری دادگاه و صدور رأی مؤثر واقع شود. با افزایش خواسته، محدوده رسیدگی دادگاه تا حد خواسته جدید افزایش می یابد و بنابراین دادگاه می تواند خواننده را تا حد مبلغ جدید محکوم نماید. چنانچه خواهان اقدام به افزایش خواسته نماید مابه التفاوت هزینه دادرسی نیز می بایست پرداخت شود و خسارت دادرسی نیز، نسبت به خواسته افزایش یافته، از آن پس، قابل مطالبه می باشد. قابلیت شکایت از رأی صادره نیز با لحاظ مبلغ جدید، تعیین می شود. اصل تناظر نیز در تمام مواردی که خواسته افزایش داده می شود و یا نحوه دعوا و یا خواسته و یا درخواست تغییر داده می شود باید رعایت گردد (شمس، ۱۳۸۸: ۱۵۸). افزایش خواسته در صورتی معتبر است که هزینه دادرسی و تمبر و کالنامه مربوط به آن ابطال شده باشد و در غیر این صورت دادگاه مکلف است به تجویز ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی مدنی پرونده را جهت رفع نقص به دفتر اعاده می کند.

### ۱-۳- عدم پرداخت هزینه دادرسی افزایش خواسته

پس از افزایش خواسته ممکن است پس از ابلاغ مراتب رفع نقص به خواهان، نامبرده هزینه دادرسی را نپردازد و یا این که خارج از مهلت ده روزه رفع نقص نسبت به آن اقدام نکند که در این صورت چند راهکار به ذهن می رسد:

#### ۱-۳-۱- افزایش خواسته قابل پذیرش نیست

زیرا شرط رسیدگی در ماهیت پرداخت هزینه دادرسی است لذا موجبی برای رسیدگی در قسمت افزوده شده نیست و خواسته همان خواسته اولیه تلقی می شود.

#### ۱-۳-۲- صدور قرار رد دادخواست نسبت به تمام خواسته

چنانچه خواهان در مهلت ده روزه رفع نقص اقدام به ابطال تمبر افزایش خواسته ننماید مطابق ماده ۵۴ به موجب قراری که توسط مدیر دفتر شعبه صادر می گردد دادخواست رد می شود. بنابراین قرار رد دادخواست نسبت به تمام خواسته صادر می شود.

### ۱-۳-۳- صدور قرار رد دادخواست نسبت به قسمت اضافی

صدور قرار رد دادخواست فقط نسبت به قسمت اضافی صادر می شود، زیرا نقصی در خواسته اولیه قبل از افزایش وجود نداشته و عدم رفع نقص نسبت به قسمت افزایش یافته مجوز رد کلی دادخواست نیست و تنها قرار رد دادخواست نسبت به میزان افزایش یافته صادر خواهد شد (مهاجری، همان، ۴۳۹).

### ۱-۴- مقایسه افزایش خواسته با خواسته های متعدد

خواهان در بعضی از موارد در ضمن روند رسیدگی، دادخواست جدیدی را اضافه می کند و همیشه این طور نیست که دادخواست با یک خواسته شروع شود و با همان وضعیت به پایان برسد. چنانچه دعوا مرتبط با دعوی مطروحه باشد و شرایط قانونی رعایت شده باشد و شایستگی صدور رأی داشته باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی می باشد. اما خواسته یا دعوی متعدد، در یک زمان و به موجب یک دادخواست مطرح می شوند، یعنی خواهان از همان ابتدا رسیدگی به چند خواسته را از دادگاه تقاضا نموده است. ولی افزایش خواسته بعد از تقدیم دادخواست اولیه و به موجب دادخواست یا لایحه جداگانه صورت می گیرد. بر این اساس، اختلاف این دو تنها در زمان اقامه و طرح آنها بوده و از سایر جوانب، به ویژه از حیث ماهیتی تفاوتی با هم ندارند. به موجب قانون آیین دادرسی مدنی هر یک از دعوی باید ضمن یک دادخواست اقامه شود مگر این که دعوی مرتبط با هم و دارای منشأ واحد باشند و اجازه این امر فقط جهت تسهیل در امور بوده است و ارتباط دعوی با یکدیگر و اجازه اقامه دعوی متعدد ضمن یک دادخواست موجب نمی شود که دعوی واحد باشند.

### ۱-۵- ممنوعیت حکم به بیش از میزان خواسته

امکان افزایش بهای خواسته برای خواهان پیش بینی نشده است و با توجه به استثنایی بودن حق خواهان برای افزایش خواسته در جلسه اول دادرسی، نباید این حق را به افزایش بهای خواسته تسری داد چرا که اگر غیر این بود قانون گذار باید صراحتاً به خواهان امکان افزایش بهای خواسته را هم می داد، کما اینکه در ماده ۳۳۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، دعوی مالی که خواسته یا ارزش آن از سه میلیون ریال متجاوز باشد، رأی صادره قابل تجدیدنظر اعلام شده است. بدین ترتیب قانون گذار بین خواسته و ارزش (بهای) آن تفاوت قائل شده است. بنابراین، اختیار خواهان برای افزایش خواسته در جلسه اول دادرسی را نباید به افزایش بهای خواسته تعمیم داد (هرمزی ۱۳۹۲، ۱: ۱۵).

احکام صادر شده توسط دادرس باید راجع به خواسته خواهان باشد و دادگاه نباید به چیزی حکم کند که مورد تقاضای مدعی نبوده است. ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی می‌گوید: «هیچ دادگاهی نمی‌تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این‌که شخص یا اشخاص ذی‌نفع رسیدگی به دعوا را مطابق مقررات قانون درخواست کرده باشند.» چنانچه دادرس حکم به بیشتر از خواسته صادر نماید حق اعاده دادرسی نیز برای محکوم فراهم می‌گردد. بند ۲ ماده ۵۹۲ قانون مذکور نیز در ارتباط با اعاده دادرسی به این قاعده اشاره شده است. دادگاه عالی انتظای قضات نیز در حکمی با اشاره به این قاعده بیان کرده که رسیدگی محکمه و صدور حکم متوقف به وجود دعوا و تقاضایی است که در ضمن دادخواست می‌شود. تقدیم دادخواست و اقامه دعوا کافی است که دادگاه را مکلف به رسیدگی و صدور حکم می‌نماید. در صورتی که دادگاه بدوی به این نکته توجه ننماید و بدون درخواست افزایش خواسته توسط خواهان، حکم به پرداخت خسارت ناشی از عدم اجرای تعهد که مورد تقاضای خواهان نبوده صادر نماید قابل خدشه است، چنان که دادگاه تجدیدنظر آن را علت نقض به شمار آورده است.<sup>۴</sup>

---

- در سال ۱۳۷۴ آقای الف به طرفیت شرکت ب دادخواستی به خواسته الزام به چاپ و نشر دو کتاب موضوع دو فقره قرارداد مورخ ۱۳۷۱<sup>۴</sup> و جبران ضرر و زیان مادی و معنوی ناشی از عدم ایفای تعهد به دادگاه عمومی تهران تقدیم می‌دارد. به موجب ماده ۲ قرارداد، شرکت مکلف است حداکثر ظرف یکسال از تاریخ صدور مجوز نشر نسبت به چاپ و نشر کتاب اقدام کند. در ماده ۵ قرارداد، جبران خسارت در صورت مسامحه هر یک از طرفین در اجرای تعهدات خود پیش‌بینی شده است. برابر ماده ۳، مؤلف تمام حقوق خود نسبت به اثر موضوع قرارداد را به مدت ۵ سال به شرکت خواننده واگذار کرده است. شعبه ۱۳۱ دادگاه عمومی تهران پس از ارجاع امر به کارشناس و سپس به هیأت کارشناسی سرانجام به موجب دادنامه مورخ ۷۷/۳/۲۰ به استناد مواد ۲۲۱، ۲۲۲ و ۲۲۶ قانون مدنی و مواد دوم و پنجم و نوزدهم قانون حمایت حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان و ماده یک قانون مسئولیت مدنی ادعای خواهان را وارد و ثابت می‌داند و خواننده را بابت جبران خسارت مادی ناشی از عدم ایفای تعهدات قراردادی خود به پرداخت مبلغی در حق خواهان محکوم می‌کند. همچنین خواننده را به چاپ و نشر کتاب‌های موضوع قرارداد ملزم می‌کند. ولی در مورد خسارت معنوی، با این استدلال که عمل خواننده در عدم ایفای تعهد به گونه‌ای نبوده و نیست که موجب خسارت معنوی خواهان شده باشد ادعای وی را نمی‌پذیرد.

خواننده که حکم علیه وی صادر شده از آن تقاضای تجدیدنظر می‌کند و شعبه ۲۶ دادگاه تجدیدنظر استان، به موجب رأی، حکم دادگاه بدوی را در قسمت الزام به پرداخت خسارت مادی موجه تشخیص نمی‌دهد با این استدلال که خواهان بدوی جز مطالبه خسارت دادرسی و خسارت کارشناسی بابت خسارات مادی خواسته‌ای نداشته است و اظهار نظر نسبت به خواسته‌ای که مورد مطالبه نبوده است توجیه قانونی ندارد ولی محکومیت تجدیدنظرخواه به الزام به چاپ و نشر کتاب‌ها را با اشاره به این‌که این امر منطبق با خواسته و منبعث از حقوق ناشی از قراردادهای منعقد است تأیید و استوار می‌کند. همچنین دادگاه تجدیدنظر استان، تجدیدنظرخواه را ملزم به پرداخت مبلغی بابت خسارات دادرسی مرحله اول می‌کند. در آرای مذکور نکات حقوقی چندی به چشم می‌خورد که مهم‌ترین آن‌ها دو مسأله حکم به چیزی که ورد مطالبه خواهان نبوده و جمع بین الزام به اجرای تعهد و جبران خسارت ناشی از عدم ایفای تعهد است. استدلال دادگاه مزبور چنین است: در دادخواست تقدیمی، خواهان بدوی جز خسارت دادرسی و خسارت کارشناسی بابت خسارت مادی خواسته‌ای نداشته است و در مراحل بعدی نیز خواسته را افزایش نداده است، تا موجبات ورود دادگاه در رسیدگی به آن برابر موازین قانونی فراهم شود. ارجاع امر به کارشناسی نیز که به منظور برآورد خسارت بوده است ضرورتی نداشته است. نظر کمیسیون قضایی حقوقی: «اگرچه در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی گفته شده است افزایش خواسته فقط تا پایان اولین جلسه دادرسی امکان دارد و پس از سپری شدن

## ۲- تغییر نحوه دعوا و آثار آن

از حقوق دیگر خواهان تغییر نحوه دعواست که در صورت تمایل می تواند تا پایان اولین جلسه دادرسی آن را اعمال نماید. هرچند بعضی از حقوقدانان تغییر نحوه دعوا را عبارتی مبهم می دانند، اما دکتر مهاجری این کلمه را سبب تفسیر کرده و با مثالی موضوع را روشن نموده است: در دعوی تخلیه به علت تغییر شغل، خواهان در فرجه قانونی سبب دعوا را تعدی و تفریط خوانده قرار می دهد. خواسته تغییر ننموده اما با تغییر سبب، نحوه رسیدگی به دعوا تغییر می کند (مهاجری، همان: ۴۴۰).

شرایط تغییر نحوه دعوا همان شرایط افزایش خواسته است یعنی تا پایان اولین جلسه دادرسی به این امر اقدام شود و با دعوی طروحه مربوط باشد و منشأ تغییر نحوه دعوا همان منشأ خواسته مصرحه در دادخواست باشد (شمس، همان: ۱۵۹). آثار تغییر نحوه دعوا اولاً در زوال رسیدگی مؤثر است و ثانیاً در زوال رسیدگی ایفای نقش می کند و چنانچه این درخواست در خارج از فرجه قانونی باشد قابل پذیرش نخواهد بود.<sup>۹</sup>

منظور از تغییر نحوه دعوا، اقدامی است که خواهان تا قبل از پایان اولین جلسه دادرسی انجام دهد که نه مشمول عنوان تغییر خواسته و یا تغییر درخواست باشد هر چند در اثر این اقدام نحوه رسیدگی به دعوا تغییر کند. هر دعوی دارای منشأ یا سبب خاص خود است. بند ۴ ماده ۵۱ قانون آیین دادرسی مدنی، خواهان را مکلف نموده که منشأ یا سبب استحقاق خود را در دادخواست صریحاً ذکر نماید. درباره تعریف سبب، اختلاف نظر وجود دارد: بعضی آن را عمل یا واقعه ای حقوقی می دانند که مبنا و اساس حق مورد مطالبه را تشکیل می دهد و بعضی هم به مستند قانونی حق موضوع دعوی یا عملی که حق مدعی به از آن ناشی شده، سبب گفته اند. برای مثال، در دعوی تخلیه به دلیل تعدی و تفریط، موضوع یا خواسته دعوی، تخلیه و منشأ یا سبب استحقاق خواهان برای تخلیه، تعدی و تفریط مستأجر در عین مستأجره است. در این مثال، چنانچه خواهان در جلسه اول تقاضای تخلیه به دلیل انتقال به غیر یا عدم پرداخت اجاره بها را بنماید؛ سبب دعوی خود را تغییر داده است. یا اگر خواسته خواهان ابتدا مطالبه عینی باشد که مدعی است آن را از خوانده خریده و سپس تقاضای تسلیم همین عین را به دلیل وصیت یا ارث بنماید، سبب دعوی خود را تغییر داده

---

اولین جلسه دادرسی ازدیاد خواسته و جاهت قانونی ندارد، تقلیل خواسته در هر مرحله امکان دارد و قانونگذار در خصوص مطالبه اجرت‌المثل با مطرح کردن بند (۲) از ماده ۳۶۲ و ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی مطالبه آن را تا خاتمه دادرسی و صدور حکم جایز دانسته است. همین مقررات در ماده ۵۰۸ قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۱۸ هم بیان شده و چنین به نظر می‌رسد قانونگذار مطالبه اجرت‌المثل را در ردیف مطالبه خواسته دانسته است. بنا به مراتب، با توجه به حکم صادره مبنی بر تحویل مبیع، صدور حکم به پرداخت اجرت‌المثل قطعی است و تقدیم دادخواست مجدد برای مطالبه اجرت‌المثل عملی اضافی و موجب اطاله دادرسی است.» مجموعه نشست های قضایی مسایل آیین دادرسی مدنی

<sup>۹</sup> - با توجه به مفاد ماده ۱۱۷ و ... قانون (قدیم) آیین دادرسی مدنی (ماده ۹۸ ق.ج) تخلف انتظامی رییس دادگاه عمومی در پذیرش تغییر خواسته و نحوه اقامه دعوا از سوی خواهان در خارج از مهلت قانونی.... محرز است (دادنامه ی شماره ۱۱۶-۱۳۷۶/۵/۲۰ شعبه دوم د.ع.ا.ق، کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی، چاپ اول، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۸، جلد ۲:ص ۲۳۲).

است؛ موضوع هر دو، مطالبه عین معین، ولی سبب دعوای اول عقد بیع و سبب دعوای دوم مالکیت خواهان به دلیل ارث یا وصیت می باشد.

چنانچه تغییر نحوه دعوی را تغییر در سبب آن بدانیم، اولاً ضابطه روشن و حقوقی برای توضیح و بیان این عبارت و تفاوت آن با تغییر خواسته به دست داده ایم، ثانیاً به خواهان اجازه می دهیم که در حدود ماده ۹۸، عندالاقضاء سبب دعوای خود را تغییر داده و از طرح مجدد دعوایی دیگر پرهیز شود.

## ۲-۱- آثار تغییر نحوه دعوا

در مورد تغییر نحوه دعوا نیز رعایت شرایط مذکور در ماده ۹۸ الزامی است، یعنی دعوای جدید با دعوای سابق ارتباط داشته و ناشی از یک منشأ باشند و تغییر نحوه دعوا تا پایان جلسه اول دادرسی امکان پذیر است. بنابراین، اگر خواسته خواهان مطالبه پانزده میلیون ریال به عنوان اجاره بها باشد نمی تواند در جلسه اول، مبلغ مذکور را به عنوان ثمن معامله مورد مطالبه قرار دهد، چرا که اجاره و بیع دو منشأ مختلف هستند و شرط داشتن منشأ واحد وجود ندارد.<sup>۶</sup> در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی به خواهان اجازه داده شده است که تا پایان جلسه اول دادرسی، خواسته یا درخواست خود را تغییر دهد. در تغییر خواسته یا درخواست نیز باید خواسته یا درخواست جدید با خواسته یا درخواست قبلی در ارتباط بوده و منشأ واحدی داشته باشند (شمس، همان: ۱۶۸). به عنوان مثال، چنانچه پس از انقضای مدت اجاره، موجر دادخواستی به خواسته خلع ید به طرفیت مستأجر تقدیم کند و سپس متوجه شود که باید خواسته خود را تخلیه، عنوان می کرده است، خواهان یا وکیل وی می توانند تا پایان جلسه اول دادرسی، خواسته خود را از خلع ید به تخلیه تغییر دهند. نمونه ای که برای تغییر درخواست می توان ذکر کرد این است که خواهان درخواست تأمین خواسته نموده باشد و در اولین جلسه دادرسی، درخواست خود را به دستور موقت تغییر دهد. به استناد مواد ۱۰۸ و ۳۱۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، برای تأمین خواسته و دستور موقت، صرف درخواست کافی است و نیازی به تقدیم دادخواست نمی باشد. برخی اساتید برای تغییر درخواست مذکور در ماده ۹۸ مثالی ذکر کرده اند مبنی بر اینکه خواهان ابتدا عین مال را خواسته و بعد قیمت آن را بخواهد (متین دفتری، ۱۳۷۸: ۳۲۰). هر چند به نظر می رسد که این تغییر را نمی توان مشمول ماده ۹۸ دانست و تغییر خواسته یا درخواست محسوب کرد. (هرمزی، همان: ۱۲).

در مورد تغییر نحوه دعوا باید دعوای جدید با دعوای سابق ارتباط داشته و ناشی از یک منشأ باشند و تغییر نحوه دعوا تا پایان جلسه اول دادرسی امکان پذیر است. بنابراین، اگر خواسته خواهان مطالبه پانزده میلیون ریال به عنوان اجاره بها

---

<sup>۶</sup> در این زمینه شعبه ششم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۷۵۵/۱۳۲۵/۱۰/۱۵ استدلال نموده است: «در صورتی که خواسته خواهان، مطالبه وجه التزام برای عدم تسلیم مبیع باشد طبق ماده ۱۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی [ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی] مشار الیه نمی تواند در جلسه دادرسی نحوه مطالبه را تغییر داده و مبلغی از وجه خواسته را به عنوان بیعانه پرداختی و قیمت جنس مورد مطالبه قرار دهد...» (متین دفتری، مجموعه رویه قضایی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵).



باشد نمی تواند در جلسه اول، مبلغ مذکور را به عنوان ثمن معامله مورد مطالبه قرار دهد، چرا که اجاره و بیع دو منشأ مختلف هستند و شرط داشتن منشأ واحد مذکور در ماده ۹۸ وجود ندارد.<sup>۷</sup>

## ۲-۲- تفاوت تغییر نحوه دعوا با دعوی اضافی

زمانی که خواهان بر خواسته قبلی خود که در دادخواست تصریح شده است، خواسته ای اضافه نماید، مثل اینکه خواسته اول خواهان، مبلغ دویست میلیون تومان بوده اما خواهان با بررسی اسناد و دفاتر متوجه می شود، مبلغ طلب دویست و سی میلیون تومان است و حال می خواهد مبلغ سی میلیون تومان به خواسته اضافه نماید و یا اینکه خواهان می خواهد اجرت المثل ایام تصرف را هم به خواسته خلع ید اضافه نماید، در هر دو صورت دعوی که مطرح می شود دعوی اضافی است. چنین خواسته ای، چه از جنس خواسته اول باشد یا نباشد، باید به موجب دادخواست و به عنوان دعوی اضافی درخواست شود، اما به هر حال باید با خواسته اول ارتباط داشته باشد (هرمزی، همان: ۱۱).

البته بعضی از حقوقدانان با استناد به ماده ۱۷ و ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی بین دعوی اضافی و افزایش خواسته تفاوت گذاشته و مورد یاد شده در ماده ۹۸ را افزایش خواسته و دعوی اقامه شده از طرف خواهان اصلی بر خوانده را (به موجب ماده ۱۷) دعوی اضافی دانسته اند. (شمس، همان: ۳۹). با توجه به ماده ۹۸ یکی از شرایط پذیرش دعوی اضافی، وجود وحدت منشأ بین دعوی اضافی با دعوی اصلی است. پس، اگر به این ظهور ماده ۹۸ پایبند باشیم، نمی توانیم تغییر نحوه دعوی را به تغییر سبب تعبیر کنیم زیرا اگر سبب دعوی اضافی با سبب دعوی اصلی تفاوت داشته باشد، دعوی اضافی پذیرفته نخواهد شد. وجود یکی از دو شروط وحدت منشأ یا ارتباط دو دعوی کافی است. بنابراین، حتی اگر سبب دعوی اضافی متفاوت با دعوی اصلی باشد به شرط وجود ارتباط بین دو دعوی، باید قائل به پذیرش آن باشیم. وانگهی، وقتی که خواسته یا موضوع دعوی با حفظ سبب قابل تغییر باشد، هیچ دلیل منطقی وجود ندارد که ممنوعیت مطالبه همان خواسته را با سبب جدید توجیه نماید (هرمزی، همان: ۱۹).

## ۳- تغییر خواسته

منظور از تغییر خواسته، تغییر موضوع دعوی با حفظ منشأ و سبب آن است، یعنی منشأ دعوی اصلی و اضافی واحد بوده و تنها موضوع آنها تغییر پیدا می کند. نوع خواسته دعوا را خواهان تعیین می کند و اوست که می تواند خواسته را به نوع دیگری تغییر دهد (انصاری، ۱۳۸۷: ۱۳۲). برای مثال، وقتی خواهان ابتدا مدعی قرارداد با تنها شریک خود مبنی بر عدم فروش قدرالسهم مشاع خود، بدون اجازه دیگری، به ثالث می باشد و قبل از جلسه اول ادعای خود را به داشتن

---

<sup>۷</sup> در این زمینه شعبه ششم دیوان عالی کشور در حکم شماره ۱۷۵۵ مورخ ۱۳۲۵/۱۰/۱۵ استدلال نموده است: «...در صورتی که خواسته خواهان، مطالبه وجه التزام برای عدم تسلیم مبیع باشد طبق ماده ۱۱۷ قانون آیین دادرسی مدنی (ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی) مشارالیه نمی تواند در جلسه دادرسی نحوه مطالبه را تغییر داده و مبلغی از وجه خواسته را به عنوان بیعانه پرداختی و قیمت جنس مورد مطالبه قرار دهد.

حق شفعه تغییر می دهد، با تغییر خواسته روبه رو هستیم و یا اینکه خریدار بعد از خرید ماشین متوجه می شود که ماشین معیوب است. دعوای مطالبه ارزش علیه فروشنده اقامه می کند. قبل از جلسه اول به این نتیجه می رسد که فسخ معامله بیشتر به نفع اوست. در جلسه اول، خواسته خود را به فسخ بیع به دلیل خیار عیب تغییر می دهد. در اینجا منشأ دو دعوی وجود عیب ولی موضوع و خواسته آنها متفاوت است. موضوع یکی فسخ معامله و موضوع دیگری گرفتن ارزش می باشد.

خواهان به موجب ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی می تواند خواسته خود را که در دادخواست تصریح کرده، در تمام مقاطع و مراحل دادرسی کم کند، اما افزودن به آن یا تغییر نحوه دعوا یا درخواست در صورتی ممکن است که با دعوای اقامه شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی آن را به دادگاه اعلام کرده باشد. بنابراین چنانچه تغییرات مزبور در جلسه دادرسی با حضور خوانده اعلام شود و خوانده آمادگی خود را برای دفاع در مقابل دعوا، با توجه به تغییراتی که در آن داده شده، اعلام نماید، نیازی به تجدید جلسه به این علت نمی باشد. اما در صورتی که خوانده یا وکیل او حاضر بوده و آمادگی دفاع اعلام ننماید و یا اصولاً در جلسه دادرسی حضور نداشته باشند، دادگاه مکلف است در اجرای اصل تناظر، جلسه را به همین علت تجدید و وقت آن را به اصحاب دعوا و علت آن را به خوانده ای که حضور ندارد، برای تدارک دفاع خود، با توجه به تغییرات به عمل آمده ابلاغ نماید<sup>۸</sup> (شمس، همان: ۱۷۷).

از آن جایی که تغییر ادعا از حق مالکیت به سایر حقوق عینی موجب تغییر ماهیت دعوا یعنی تغییر خواسته می شود و چنانچه این تغییر ادعا از مالکیت به سایر حقوق عینی را، کاهش خواسته بدانیم، انجام آن در تمام مراحل دادرسی بدون نیاز به وحدت منشأ یا ارتباط بین دعوای اصلی و اضافی مجاز است لکن اگر تغییر خواسته باشد مشروط بر، وجود ارتباط و مختص به جلسه اول دادرسی است و رسیدگی و صدور حکم بعد از اعلام آن در اثنای رسیدگی ممکن نیست مگر در دادخواست مجزا و با قرار رسیدگی توأمان همراه است. تغییر خواسته یا نحوه دعوا یکی از امتیازات اولین جلسه دادرسی برای خواهان است که او حق دارد تا پایان این جلسه نحوه دعوای مطروحه یا خواسته یا درخواست خود را تغییر دهد. این اقدامات فقط در اولین جلسه دادرسی امکان پذیر است و در جلسات بعدی دادرسی، برای خواهان چنین حقوقی متصور نیست. ملاحظه می شود که در این ماده، بر خلاف بند الف ماده ۱۰۷ در مورد استرداد دادخواست، صراحتاً تا پایان جلسه اول دادرسی برای خواهان حق تغییر خواسته یا نحوه دعوا پیش بینی شده باشد (هرمزی، همان: ۱۳).

---

<sup>۸</sup> اگر خواهان در اولین جلسه دادرسی اختصاری خواسته دعوا را تغییر دهد، خوانده باید از آن مستحضر گردیده و دفاع نماید. بنابراین چنانچه خوانده در اولین جلسه رسیدگی حاضر نباشد، رسیدگی دادگاه بدون اعلام تغییر خواسته به خوانده صحیح نخواهد بود (مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی در زمینه مسائل مدنی، از انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری، بی تا، ص ۱۴۴، به نقل از ش ۹۱ هفته نامه دادگستری، ص ۵).

امکان تغییر خواسته از امتیازات جلسه اول دادرسی است. با در نظر گرفتن ماده ۹۸ برای امکان افزایش خواسته، وجود سه شرط لازم است: اولاً؛ مربوط به خواسته اول باشد. با استفاده از قسمت اخیر ماده ۱۴۱ قانون آیین دادرسی در امور مدنی می توان گفت که وقتی بین دو خواسته ارتباط وجود دارد که اتخاذ تصمیم در هر یک مؤثر در دیگری باشد یعنی اگر دادگاه خواسته اول را بپذیرد ناگزیر باید قسمت دوم خواسته را نیز اجابت نماید. دیوان عالی کشور در رأی شماره ۳۷۷-۱۴۷۷۵ مورخ ۱۳۱۷/۳/۲۴ شعب حقوقی در مقام بیان ارتباط کامل مقرر داشته است: «مراد از ارتباط کامل بین دو دعوا این است که صدور رأی در یکی از دو دعوا موجب بی نیازی از انشای رأی در مورد دعوی دیگر باشد، یا اثبات یکی از آن دو دعوا، موجب اثبات یا رد دعوی دیگر باشد، یا اینکه اثبات یکی از دو دعوا موجب اثبات دیگری باشد مربوط به بحث ارتباط گردد». قسمت اخیر این رأی مبنی بر اینکه اثبات یکی از دو دعوا موجب اثبات دیگری باشد مربوط به بحث ارتباط خواسته اضافه شده با خواسته اولی می باشد زیرا در بحث افزایش خواسته، با اثبات خواسته اول، خواسته اضافی نیز اثبات می گردد. ثانیاً؛ منشا خواسته جدید و سابق یکی باشد یعنی دو خواسته از یک منشأ به وجود آمده باشند. ثالثاً؛ تا پایان اولین جلسه دادرسی امکان پذیر است و در جلسات بعدی دادرسی، این امکان برای خواهان وجود ندارد. نکته ای که باید یادآوری شود این است که در ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی، به خواهان اجازه داده شده است که در اولین جلسه دادرسی، خواسته خود را با شرایط مندرج در این ماده افزایش دهد. با توجه به اینکه این امتیاز خواهان برای افزایش خواسته در جلسه اول دادرسی جنبه استثنایی دارد و در جلسات و مراحل بعدی رسیدگی، چنین حقی برای خواهان وجود ندارد باید در استفاده از این حق به قدر متیقن اکتفا نمود و در موارد مشکوک به خواهان چنین اجازه ای را نداد.<sup>۹</sup> (همان: ۱۴).

#### ۴- تغییر درخواست و شرایط آن

<sup>۹</sup>- توضیح اینکه در ماده ۶۳ (بند ۴) به خواننده این حق داده شده است که به بهای خواسته تعیین شده از سوی خواهان، اعتراض کند. این حق تا اولین جلسه دادرسی برای خواننده وجود دارد ولی عملاً محاکم تا پایان جلسه اول دادرسی برای خواننده چنین حقی را قائل می شوند. حال، در بسیاری از موارد، وقتی خواننده دعوی با استفاده از حق مندرج در ماده مذکور در جلسه اول دادرسی به بهای خواسته تعیین شده از سوی خواهان اعتراض می کند خواهان یا وکیل وی در همان جلسه بهای خواسته خود را به بیش از بیست میلیون ریال افزایش می دهند تا اعتراض خواننده به بهای خواسته مؤثر در مراحل بعدی رسیدگی نباشد و دادگاه به استناد ماده ۶۳ قانون مذکور مکلف به رسیدگی به اعتراض خواننده به عنوان مثال، در پرونده ای خواسته خواهان مطالبه تعداد ۱۲۴ عدد سکه بهار آزادی به عنوان مهریه بوده است که وکیل خواهان، بهای خواسته را ۳/۱۰۰/۰۰۰ ریال تعیین کرده است. در جلسه اول دادرسی، وکیل خواننده به بهای خواسته تعیین شده از سوی خواهان اعتراض نموده است و چون این اعتراض مؤثر در مرحله بعدی رسیدگی از لحاظ قابلیت فرجام خواهی از رأی صادره بوده است دادگاه باید به استناد ماده ۶۳ با جلب نظر کارشناس قیمت واقعی سکه های موضوع خواسته را مشخص می کرد. لیکن وکیل خواهان در جلسه اول دادرسی، بهای سکه های مطالبه شده را به مبلغ ۲۰/۱۰۰/۰۰۰ ریال افزایش داده است تا اعتراض خواننده و وکیل وی و اختلاف آنها با خواهان در بهای خواسته مؤثر در مرحله بعدی رسیدگی نباشد و دادگاه مکلف نباشد به استناد ماده ۶۳ به این اعتراض توجه نماید. در اکثر محاکم چنین رویه ای معمول می باشد و در جلسه اول دادرسی به خواهان یا وکیل وی اجازه می دهند که بهای خواسته تعیین شده در دادخواست را افزایش دهد. (متین دفتری، مجموعه رویه قضایی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵).

از آن جایی که مدعی باید درخواست خود را در دادخواست به دادگاه ارائه دهد و صدور حکم دادگاه افزون بر خواسته نسبت به متفرعات قانونی آن از قبیل هزینه دادرسی، حق الوکاله، خسارت تأخیر تأدیه و سایر خسارات دادرسی مستلزم درخواست می باشد و در عین حال به اصل خواسته افزوده نمی گردد و محاسبه نمی شود تا ملاک محاسبه و پرداخت هزینه دادرسی و تجدیدنظرخواهی رأی قرار گیرد، خواهان می بایست در صورتی که قصد وصول آنها را نیز دارد، درخواست رسیدگی و صدور حکم نسبت به آنها را نیز بنماید (شمس، همان: ۴۹). با ملاحظه ماده ۵۱ در بحث از شرایط دادخواست، خواسته و درخواست را از هم تفکیک نموده و در بند ۳ از تعیین خواسته، و در بند ۵ از درخواست: «آنچه خواهان از دادگاه درخواست دارد» سخن گفته است و این امر دلالت بر این است که درخواست امری جدای از خواسته است و این تفاوت منجر به صدور حکم در مورد خواسته و صدور قرار رد درخواست می گردد. (مهاجری، همان: ۴۴۴). ذکر این نکته نیز بنظر می رسد که هرچند تغییر درخواست با شرایط مقرر امکان پذیر می باشد اما تغییر درخواست مستقل که جدا از دعوای اصلی مطرح می شود امکان پذیر نمی باشد به عنوان مثال درخواست دستور موقت قبل از طرح دعوای اصلی، قابل تغییر به درخواست تأمین دلیل نخواهد بود (همان).

همان طور که بیان شد قانون گذار مطابق ماده ۹۸ اجازه داده که خواهان خواسته خود را افزایش دهد، اما آیا این بدان معنی است که هرگونه افزایش یا تغییر در نحوه دعوا پذیرفته می شود؟ بی تردید امکان افزایش خواسته یا تغییر در نحوه دعوا بدون رعایت شرایط و در هر زمان و مرحله دادرسی یا در اثنای رسیدگی، خود باعث اطاله دادرسی خواهد شد. همچنین تغییر دعوا بدون ارتباط با دعوای اول، مانع دادرسی از صدور حکم صحیح و سنجیده خواهد شد لذا قانون، آن را با وجود شرایطی پذیرفته است. مطابق این ماده در پذیرش درخواست، دو شرط قرار داده شده است: اولاً؛ این که افزایش یا تغییر خواسته یا درخواست یا نحوه دعوا مربوط به دعوای طرح شده باشد و ثانیاً؛ دارای منشأ واحدی با دعوای مطروحه باشد. هر تغییری که مربوط به دعوا باشد، ولی با دعوا متحدالمنشأ نباشد، پذیرفته نخواهد شد مثل اینکه شخصی به موجب قرارداد متعهد می شود، منزل شخصی را مطابق مشخصات قرارداد نقاشی کند. بر اثر بی احتیاطی نقاش بر اثر باز گذاشتن شیر آب به منزل خسارت وارد می شود. دعوای الزام به انجام نقاشی مجدد مطابق قرارداد مطرح می شود اما چنانچه خواهان بخواهد مطالبه خسارت به منزل را مطرح کند چون منشأ یکی قراردادی و دیگری ضمان قهری خارج از قرارداد است پذیرفته نخواهد شد. همین طور هر تغییری که با دعوا متحدالمنشأ باشد، ولی مربوط به آن دعوا نباشد نیز قابل پذیرش نیست مانند اینکه شخصی در دو قرارداد یکی تحویل صد تن سیب در سردخانه اصفهان و دیگری تحویل مصالح ساختمانی را متعهد شده است. چنانچه از اجرای قرارداد سرباز زند و متضرر در این خصوص اقدام به اقامه دعوای تحویل مصالح ساختمانی نماید، در جلسه اول اجازه ندارد دعوای دیگر یعنی تحویل یکصد تن سیب در سردخانه اصفهان را درخواست کند هرچند منشأ دعوای دیگر نیز تعهد قراردادی است. (مهاجری، همان: ۴۴۵).

بند ۵ ماده ۵۱ قید درخواست را یکی از شرایط دادخواست کامل دانسته و عدم ذکر آن را موجب نقص دادخواست و صدور اخطار رفع نقص اعلام کرده است.<sup>۱۰</sup> بر این اساس، خواهان مکلف است علاوه بر خواسته رد دادخواست خود، درخواست یا درخواست هایی را نیز مطرح نماید. اگر بنا به توجیحات مذکور، منظور از درخواست مطالبه خسارت دادرسی یا تأخیر تأدیه یا تأمین خواسته و سایر متفرعات دعوی باشد، مطالبه آنها از سوی خواهان اجباری است. به عبارت دیگر، خواهان مکلف است علاوه بر خواسته دعوی، مطالبه موارد مذکور را هم بنماید و الا دادخواست او ناقص و غیرقابل رسیدگی است. در حالی که اولاً؛ هرگز نمی توان خواهان را مکلف به مطالبه خسارت دادرسی یا تأمین خواسته و دیگر متفرعات دعوی نموده و لذا مطالبه آنها کاملاً اختیاری است. ثانیاً؛ هرگز دیده نشده که به دلیل عدم قید این امور، اخطار رفع نقص صادر شود. به علاوه، اطلاق خواسته در بند ۳ ماده ۵۱، شامل خواسته اصلی و سایر متفرعات دعوی و امور دیگر همچون مطالبه خسارت و... خواهد شد. بر این اساس، چون درخواست چیزی جدا از خواسته نبوده و مفهوم اصطلاحی مستقلی ندارد، نمی توان تغییر درخواست را مصداق جداگانه ای از مصادیق دعاوی اضافی دانسته و از این حیث نیازی به توضیح و بررسی مجزا ندارد. مثال هایی هم که برای تغییر درخواست در ماده ۹۸ ذکر شده، مانند اینکه، ابتدا عین مال را مطالبه کرده و سپس قیمت آن را بخواهد، در واقع نوعی تغییر خواسته بوده و در همان قالب، قابل طرح است.

#### ۵- اسباب دعوا

سبب دعوا برحسب بند ۴ ماده ۵۱ و ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی جزء امور موضوعی دعوا قرار دارد و تنها اصحاب دعوا می توانند آن را بیان کنند و در روند دادرسی آن را تغییر دهند از همین رو دادرس نمی تواند سبب دعوا را تغییر دهد. هرچند در قانون صراحتاً از امکان تغییر سبب سخن به میان نیامده است اما پذیرش تغییر سبب دعوا از سوی خواهان در اولین جلسه دادرسی خالی از اشکال به نظر نمی رسد. زیرا عبارت «تغییر نحوه دعوا» در ماده ۹۸ را می توان به معنای امکان تغییر سبب دعوا قلمداد نمود (مهاجری، همان: ۴۴۰).

در حقوق ایران مفهوم سبب، علی الاصول در زمینه جهات موضوعی قرار می گیرد که قابل توصیف قانونی است. بنابراین سبب، رابطه ای حقوقی است که بر مبنای عمل حقوقی (عقود، ایقاعات و قراردادهای)، واقعه ای حقوقی (اتلاف، تسبیب، غصب و ...) و یا بر مبنای قانون به وجود آمده و بر اساس آن رابطه خواهان خود را مستحق مطالبه و یا خوانده، خواهان را بی حق می داند (شمس، ۱، ۱۳۹۴: ۳۴). همان طور که بیان شد مطابق ماده ۹۸ صرفاً خواهان می تواند سبب دعوا را تغییر دهد به عنوان نمونه اگر خواهان سبب مالکیت خود را قرارداد با خوانده قرار دهد، دادرس نمی تواند منشأ مالکیت خواهان را به جای قرارداد به ارث تغییر دهد. نباید تصور گردد باز توصیف سبب دعوا، موجب تغییر سبب دعوا می شود. دادرس با در نظر گرفتن آثاری که به طور کلی سبب ارائه شده به جای می گذارد، عنوان سبب را انتخاب و

<sup>۱۰</sup> - بند ۲ ماده ۵۳: «در موارد زیر دادخواست توسط دفتر دادگاه پذیرفته می شود لکن به جریان افتادن آن باید به شرح مواد آتی تکمیل شود: ۲- وقتی که بندهای (۲، ۳، ۴، ۵، ۶) ماده ۵۱ این قانون رعایت نشده باشد.»

مبادرت به صدور رأی می نماید به همین دلیل خواهان نمی تواند با توصیف جدیدی از همان سبب، مجدداً اقامه دعوا کند (امامی و آقازاده، همان: ۱۵).

در تمام مواردی که جهات موضوعی در دو دعوا واحد نباشد، شرط وحدت سبب دو دعوا حاصل نیست. در نتیجه اگر برای نمونه، در دعوی سابق که موضوع آن مالکیت عین معینی است، سبب دعوا ارث بوده و در دعوی فعلی که موضوع دعوا مالکیت همان عین است، سبب دعوا عقد بیع باشد، اسباب دو دعوا واحد شمرده نمی شوند. همچنین اگر سبب، رابطه حقوقی مشخصی باشد اما در دو زمان مختلف متحقق شده باشد، واحد شمرده نمی شود مانند اینکه سبب دعوی که در گذشته اقامه شده، بیع بوده و در دعوی حاضر نیز بیع باشد اما تاریخ وقوع بیع قبلی ۱۳۸۳/۱۲/۳ و بیع بعدی تاریخ دیگری باشد. همچنین تفاوت سبب با ادله اثبات دعوا که برای اثبات وجود جهات موضوعی سبب است با دشواری روبرو نمی شود. بنابراین استناد به قرارداد کتبی اجاره تنظیمی بین موجر و مستأجر به منظور اثبات ادعای وجود رابطه استیجاری است. پس چنانچه دعوی سابق دوباره اقامه شود، در صورت اتحاد اسباب دعوا، موضوع و سبب دعوا، با قرار رد روبرو خواهد شد، حتی اگر دلیل جدید در اثبات سبب قبلی ارائه شده باشد. در حقیقت، دلیل جدید در صورتی موجب حق تجدید دعوا می شود که سبب جدیدی را ثابت نماید (شمس ۱، همان: ۳۵). خواهان می تواند در اولین جلسه دادرسی، نحوه دعوی خود را تغییر دهد. این امتیاز نیز صرفاً در جلسه اول دادرسی وجود دارد و در جلسه بعدی رسیدگی، چنین اختیاری برای خواهان وجود ندارد. منظور از نحوه دعوا، امور و مسائلی مانند جهت و سبب دعوا می باشد. بنابراین، اگر زوجه به استناد عسر و حرج دادخواستی به خواسته صدور گواهی عدم امکان سازش<sup>۱۱</sup> تقدیم دادگاه کرده باشد، می تواند در اولین جلسه رسیدگی، دعوی را تغییر داده و خواسته خود را صدور گواهی عدم امکان سازش به جهت ازدواج مجدد زوج یا اعتیاد او<sup>۱۲</sup> اعلام نماید چرا که اثبات این امور به مراتب آسان تر از عسر و حرج خواهد بود.

## ۶- رویه قضایی دادگاه ها

رویه قضایی را به عنوان یکی از منابع بارور علم حقوق شمرده اند. در معنای خاص، رویه قضایی عبارت است از آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور که به موجب قانون معتبر شناخته شده و به آن رویه لازم الاتباع هم می گویند (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۲۷۱). اما رویه قضایی در معنای عام یعنی شیوه، روش و عادات دادگاه ها و مراجع قضایی برای حل یک مسأله خاص (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۱۸۰). طی چند دهه اخیر و با نقش آفرینی رویه قضایی در حوزه های مختلف شاهد آثار و کارکردهایی گسترده برای رویه قضایی به مفهوم عام آن بوده ایم و این مسأله ضرورت توجه به رویه قضایی را به عنوان منبع سازنده علم حقوق مطرح کرده است (درویش زاده، ۱۳۸۶: ۱۳).

<sup>۱۱</sup> - ماده ۱۱۳۰ قانون مدنی بیان می دارد: «در صورتی که دوام زوجیت موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند.»

<sup>۱۲</sup> - بندهای ۷ و ۱۲ از شروط ضمن عقد نکاح مندرج در سند رسمی ازدواج

رویه قضایی شکل کلی تصمیم مکرر قضایی است و ساخته فکر و عمل قضات است در حالی که قانون ساخته و پرداخته قانون گذار می باشد (مدنی، ۱۳۸۹: ۵). از آنجایی که در معنای خاص رویه قضایی، یعنی آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور که رویه لازم الاتباع برای دادگاه ها می باشد در خصوص ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی مبنی بر افزایش یا تغییر خواسته رأی صادر نشده است. اما در معنای عام رویه قضایی که با منطق، معنا و مفهوم عدالت نزدیک باشد و شیوه، روش و عادات دادگاه ها و مراجع قضایی و راه حل برای یک مسأله یا قانون خاص باشد در موارد مختلف و از جمله در نشست های قضایی در طی سال های گذشته دیده می شود و به نظر می رسد در خصوص این ماده رویه قضایی خاص وجود نداشته، اما از مسائلی است که در نشست های قضایی اساتید و قضات محترم مکرر به آن پرداخته شده و در این باره کمیسیون های تخصصی، نظرات اکثریت یا اقلیت اساتید را که در پرونده های قضایی اعمال نموده اند پذیرفته و مبادرت به صدور نظریه کمیسیون نموده اند. در این باره رویه قضایی به معنای عام یعنی رویه معمول و متداول و مورد تأیید اساتید و قضات در دادگاه ها وجود دارد.

در پایان به خلاصه ای از سؤالاتی که در روند رسیدگی در خصوص تغییر یا افزایش خواسته یا نحوه دعوا در پرونده ای مختلف با آن مواجه هستیم را به عنوان حسن ختام بیان می نمایم:

با توجه به این که مقنن درخواست افزایش خواسته را در اثنای رسیدگی خارج از ماده ۹۸ دانسته است و موقعیت قانونی نداشته اما در صورت دارا بودن شرایط رسیدگی توأمان هر دو دادخواست و رعایت ماده ۱۰۳ قانون آیین دادرسی مدنی، برای دادرسی نسبت به دادخواست جدید تعیین تکلیف قانونی وجود دارد.<sup>۱۳</sup>

در خصوص رویه قضایی دادگاه ها مبنی بر افزایش خواسته در زمان قانونی و عدم رفع نقص هزینه دادرسی از سوی خواهان این سؤال مطرح است که اگر خواهان خواسته خود را افزایش داده و تمبر هزینه دادرسی خواسته افزایش یافته را ابطال نموده باشد و نسبت به پرداخت هزینه دادرسی خواسته افزایش یافته، توسط مدیر دفتر اخطار رفع نقص صادر شده اما خواهان اقدام نموده باشد در این شرایط چه وضعیتی پیش می آید؟ یعنی آیا مدیر دفتر دادگاه می تواند دادخواست خواهان را رد کند و یا این که دادگاه باید هنگام صدور رأی، خواسته افزایش یافته خواهان را رد کند؟<sup>۱۴</sup>

---

<sup>۱۳</sup> - چنانچه خواهان در اثنای رسیدگی (بعد از پایان جلسه اول دادرسی) دادخواست تکمیلی مبنی بر افزایش خواسته تقدیم کند، آیا خواسته خواهان قابلیت اجابت دارد یا خیر؟ ماده ۹۸ ق.آ.د.م. حق افزایش خواسته را تا پایان اولین جلسه دادرسی برای خواهان پیش بینی کرده است. و از آن جایی که دادخواست، اصل مسئولیت دادگاه به رسیدگی را به همراه دارد، دادخواست جداگانه محسوب می شود لذا باید شرایط و مقررات قانونی تنظیم دادخواست از سوی خواهان رعایت شود. در صورت وجود شرایط رسیدگی توأمان، دادگاه به استناد ماده ۱۰۳ قانون فوق الذکر قرار رسیدگی اوأمان صادر و به هر دو دادخواست رسیدگی و مبادرت به صدور رأی می نماید.

<sup>۱۴</sup> - نظر اول: نظر به اینکه دادخواست خواهان قبل از افزایش خواسته مطابق مقررات به جریان افتاده و در کل صدور قرار رد دادخواست توسط مدیر دفتر دادگاه خلاف موازین قانونی و دور از انصاف و عدالت قضایی است و نظر به این که رسیدگی به دعوی که هزینه دادرسی آن پرداخت نشده باز مخالف با مقررات آیین دادرسی مدنی است، نه کل دادخواست خواهان قابل رد است و نه کل دعوی نامبرده قابل رسیدگی است. بنابراین، دادخواست را نسبت به آن قسمت از خواسته که هزینه دادرسی آن پرداخت نشده است باید رد کرد و مطابق قانون آیین

توجه به اینکه این سؤال در کمیسیون های مختلف مورد بحث و بررسی قرار گرفته به نظر می رسد هیچ گونه مجوزی برای عدم پذیرش چنین درخواستی توسط دادرس به شرط آن که موارد ماده ۹۸ رعایت شده باشد و هزینه دادرسی خواسته افزایش یافته نیز پرداخت گردیده باشد وجود ندارد. رد کلی دادخواست خلاف عدالت است زیرا خواسته نسبت به مبلغ اولیه با شرایط قانونی ماده ۵۱ مطابقت دارد. لذا در صورتی که دفتر اخطار رفع نقص صادر نماید و خواهان هزینه دادرسی رفع نقص را پرداخت ننماید دادرس باید نسبت به مبلغ اضافی، دعوا را رد نموده و نسبت به مبلغ اولیه اقدام به صدور رأی نماید. در این باره نظر کمیسیون تخصصی در نشست قضایی دادگستری کرمان این گونه آمده که: «در صورتی که خواهان خواسته خود را در جلسه اول دادرسی افزایش دهد و سپس دفتر دادگاه برای پرداخت هزینه دادرسی به میزان افزوده شده، اخطار رفع نقص صادر نماید و خواهان در فرجه قانونی نسبت به رفع نقص اقدام

---

دادرسی مدنی، رد دادخواست نیز از اختیارات و وظایف مدیر دفتر است و در صورتی که مدیر دفتر به این تکلیف عمل نکند، دادگاه هنگام رسیدگی و صدور حکم با اخذ وحدت ملاک از ماده ۳۵۰ قانون آیین دادرسی در امور مدنی قرار رد دعوا را نسبت به خواسته افزایش یافته صادر خواهد کرد.

نظر دوم: با توجه به این که بعد از افزایش خواسته، خواسته خواهان از میزان قبلی به میزان افزایش یافته تغییر می یابد و این مورد در حکم آن است که خواهان از ابتدا خواسته خود را به میزان تغییر یافته تعیین نموده است و با توجه به این که در صورت عدم تأدیه هر میزان از هزینه دادرسی، مدیر دفتر دادگاه حق رد دادخواست را داراست، مدیر دفتر دادگاه کل دادخواست متقاضی را رد خواهد نمود.

نظر سوم: در صورتی که دعوا و خواسته خواهان قابل تجزیه باشد دادخواست فقط نسبت به قسمت افزایش یافته رد خواهد شد در غیر این صورت به جهت جریان قانونی دادخواست، مدیر دفتر دادگاه حق رد دادخواست را ندارد. از آن جا که رد دادخواست از وظایف دادگاه نیست، دادگاه نسبت به کل دعوا رسیدگی خواهد کرد لیکن مطابق بند (۲۴) ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت، اجرای حکم را منوط به پرداخت هزینه دادرسی خواهد کرد.

این سؤال در دو کمیسیون تخصصی مطرح شده است. نشست قضایی (۶): بر حسب مقررات ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، در امور مدنی خواهان می تواند تا اولین جلسه دادرسی خواسته خود را افزایش دهد. در این صورت بدو باید مراتب به خواننده ابلاغ و سپس هزینه دادرسی مازاد بر خواسته اولیه از خواهان مطالبه شود و این اقدام به دو صورت امکان پذیر است. اگر خواهان تا قبل از جلسه دادرسی شخصاً در دادگاه حاضر و خواسته خود را افزایش دهد دیگر احتیاجی به صدور و ارسال اخطار رفع نقص برای وی نیست. لذا به وی تکلیف می شود که هزینه دادرسی را بر مبنای خواسته مورد تقاضا بپردازد. در صورت پرداخت هزینه دادرسی خواسته مطابق مبلغی است که خواهان اعلام نموده است. اما اگر خواهان فقط با ارسال لایحه، خواسته خود را افزایش دهد برای دریافت هزینه دادرسی صدور اخطاریه از طرف دفتر جهت وی ضروری است ولی در هر دو مورد در صورت عدم پرداخت هزینه دادرسی نیازی به صدور قرار رد نیست و دادگاه فقط به تقاضای خواهان ترتیب اثر نمی دهد و خواسته وی همان مبلغی است که در دادخواست تعیین شده زیرا اصولاً افزایش خواسته تقاضاست نه دادخواست، به این جهت نیازی به صدور قرار رد نیست. بدیهی است کم کردن خواسته تا انتهای مراحل رسیدگی امکان پذیر است. نشست قضایی دادگستری تبریز، اردیبهشت ۱۳۸۴ ( ر ک : مجموعه نشست های قضایی ۲ معاونت آموزش قوه قضائیه صفحه ۲۹۶ تا ۲۹۸).

نشست قضایی (۱) مدنی: افزایش خواسته مطابق ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی در امور مدنی، در امور مدنی در صورتی ممکن است که با دعوی طرح شده مربوط بوده و منشأ واحدی داشته باشد و تا پایان اولین جلسه دادرسی به دادگاه اعلام شده باشد. چنانچه در جلسه اول دادگاه، افزایش خواسته صورت پذیرد، دادگاه پرونده را جهت رفع نقص به دفتر اعاده خواهد کرد. در هر حال صدور قرار رد دادخواست نسبت به کل خواسته منطبق با موازین قانونی نیست. ( ر ک : مجموعه نشست های قضایی ۲ معاونت آموزش قوه قضائیه صفحه ۲۹۷ تا ۲۹۸).



نکند، آیا دادخواست به طور کلی رد می‌شود یا صرفاً به میزان افزایش یافته قابل رد می‌باشد؟<sup>۱۵</sup> افزایش خواسته جدید در صورتی که با منشأ دادخواست اول یکسان باشد نیز بعد از جلسه اول مانع از پذیرش است و به عنوان خواسته جدید محسوب می‌شود.<sup>۱۶</sup>»

رویه عملی محاکم این است که تا پایان جلسه اول دادرسی به خواهان این حق را می‌دهند که دادخواست خود را مطابق قانون، افزایش دهد و چنانچه خواهان بعد از این فرصت اقدام به تغییر یا افزایش خواسته نماید با رد دادخواست مواجه خواهد شد. چنانچه خواهان بعد از اولین جلسه دادرسی اقدام به افزایش خواسته نماید وظیفه دادرس رد دادخواست می‌باشد و چنانچه دادرس بعد از فرجه قانونی یعنی بعد از پایان اولین جلسه دادرسی نسبت به صدور حکم به خواسته افزایش یافته رأی صادر نماید موجب تخلف انتظامی قضایی شده است مگر اینکه این درخواست در شکل یک دادخواست کامل باشد و دارای شرایط رسیدگی بوده و در کنار خواسته اول به طور توأمان رسیدگی شود.

در صورتی که افزایش خواسته در زمام مقرر درخواست شود دادرس فرایند دادرسی را طی کرده و در صورت وجود حق برای خواهان حکم به خواسته افزایش یافته داده و نسبت به خواسته اول حکم به رد دادخواست می‌نماید.

## نتیجه گیری

- پاسخ: الف) نظر اکثریت: با توجه به این که خواهان در جلسه اول دادرسی خواسته را افزایش داده و به‌عنوان مثال ۵۰ میلیون تومان را<sup>۱۵</sup> تبدیل به ۶۰ میلیون نموده و در مورد ۱۰ میلیون تومان افزوده شده با وجود صدور اخطاریه رفع نقص، اقدام به ابطال تمبر هزینه دادرسی نکرده است، به دلیل این که وقت رسیدگی تعیین و طرفین برای رسیدگی دعوت شده‌اند، با وجود تشکیل جلسه دادرسی برای رسیدگی به دعوا و خواسته‌ای که پیش از این اعلام شده، اگر عدم ابطال تمبر در مورد مبلغ افزوده شده به تمام خواسته تسری داده شود و دفتر اقدام به صدور قرار رد دادخواست نماید، این اقدام یک نوع دخالت در امر دادرسی بوده و خلاف اصل می‌باشد. به‌علاوه، انصاف حکم می‌کند که نسبت به میزان خواسته افزوده شده، قرار رد دفتر صادر شود تا خواهان متضرر نگردد. در فرض مذکور اگر خوانده غایب باشد، دادگاه مکلف است خواسته افزوده شده را به خواننده اعلام نماید و سپس اقدام کند. از این رو افزودن خواسته به مثابه اقامه دعوی دیگری است و صدور قرار رد دفتر ناظر به میزان افزوده شده خواهد بود. ب) نظر اقلیت: خواسته دعوی یکی است و پس از افزایش خواسته، خواسته اولیه مورد نظر نخواهد بود و در نتیجه عدم ابطال نسبت به میزان اضافه شده، موضوع به تمام خواسته تسری یافته و دفتر قرار رد دادخواست را صادر خواهد کرد. (نشست قضایی دادگستری کرمان)

- خواهان دادخواستی به خواسته تسلیم مبیع تقدیم دادگاه می‌کند و سپس در جلسات دوم یا سوم دادرسی نیز اجرت‌المثل عدم تسلیم<sup>۱۶</sup> خواسته را مطالبه می‌کند. در این صورت دادگاه چه تکلیفی دارد؟

نظر اکثریت: با عنایت به اینکه ماده ۹۸ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی به صراحت بیان داشته: «تغییر خواسته و افزایش آن و غیره فقط تا پایان اولین جلسه دادرسی امکان‌پذیر است» و در ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی مدنی نیز عبارت اثنای دادرسی و منظور همان (جلسه اول دادرسی) مصرح در ماده ۹۸ است و مطالبه اجرت‌المثل بعد از جلسه اول دادرسی توجیه قانونی ندارد و باید به طور مستقل مبادرت به تقدیم دادخواست کند؛ لذا ماده ۵۱۵ ناظر بر ماده ۹۸ است و اجرت‌المثل خواسته جدیدی محسوب می‌شود که نیاز به تقدیم دادخواست و تقویم خواسته و الصاق و ابطال هزینه دادرسی دارد.» (نشست قضایی دادگستری کرمان)

تدبیر قانون گذار در ماده ۹۸ در افزایش و یا تغییر خواسته تا پایان جلسه اول دادرسی نکته سنجیده و به جایی به نظر می رسد؛ به جهت اینکه پرونده های مدنی در اثر طرح خواسته های غیر مرتبط دچار پیچیدگی در رسیدگی نشوند و قاضی در کوتاه ترین زمان نسبت به پرونده، تعیین تکلیف نموده و طرفین را از طولانی شدن دادرسی نجات بخشد، همچنین با صدور حکم در موارد مشابه، کاهش هزینه دادرسی را به دنبال داشته باشد. قاضی حق تغییر عناصر دعوا را نداشته و فقط اصحاب دعوا هستند که در مواردی استثنایی قادر به تغییر آن می باشند. چنانچه این تغییر در افزایش یا نحوه دعوا تا پایان اولین جلسه دادرسی باشد و دارای منشأ یکسان و با دعوی مطرح شده مربوط باشد پذیرفته خواهد شد. افزایش یا تغییر خواسته در زمان قانونی خود موجب رعایت عدالت و تلاش در جهت پایان دادن به اختلافات است چرا که در صورت فقدان این ماده قانونی خواهان ناگزیر از مراجعه مجدد برای اضافه درخواست بوده که خود مشکلات انبوهی را برای نظام قضایی و خواهان فراهم می آورد.

## منابع

الف) کتب:

- ۱- انصاری، باقر، نقش قاضی در تحول نظام حقوقی، چاپ اول، تهران، میزان، ۱۳۸۷
- ۲- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوقی، جلد سوم، تهران، ۱۳۷۸
- ۳- زندی، محمد رضا، رویه قضایی دادگاه تجدیدنظر استان تهران در امور مدنی، جلد ۴ تشریفات دادرسی، تهران، جنگل، ۱۳۸۹
- ۴- شکری، مهدی، جزوه مباحثی از آیین دادرسی مدنی، ۱۳۹۲
- ۵- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره پیشرفته جلد دوم، دراگ، تهران: ۱۳۸۸
- ۶- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی دوره بنیادین، جلد سوم، چاپ بیست و هفتم، دراگ، تهران، ۱۳۹۴
- ۷- کاتوزیان، ناصر، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، گنج دانش، ۱۳۹۶
- ۸- کریم زاده، احمد، نظارت انتظامی در نظام قضایی، چاپ اول، جلد دوم، انتشارات روزنامه رسمی کشور، تهران، ۱۳۷۸
- ۹- مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی جلد اول، فکر سازان، تهران، ۱۳۷۸
- ۱۰- متین دفتری، احمد، مجموعه رویه قضایی، قسمت حقوقی، از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵، تهران، چاپ خانه هاشمی
- ۱۱- مدنی، سیدجلال الدین، رویه قضایی، تهران، پایدار، ۱۳۸۹

- ۱۲- معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نشست های قضایی، مسایل آیین دادرسی مدنی ۱، نشر قضا، قم، ۱۳۸۶
- ۱۳- معاونت آموزش قوه قضائیه، مجموعه نظرهای مشورتی اداره حقوقی در زمینه مسائل مدنی، انتشارات دفتر تحقیقات و مطالعات وزارت دادگستری، ۱۳۸۷
- ۱۴- میرفردی، جمال الدین، جزوه طلایی آیین دادرسی مدنی ویژه آزمون های حقوقی، ۱۳۹۲
- (ب) مقالات:
- ۱- امامی، آقازاده، دریائی، دعوای اضافی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره پنجم، شماره سوم، زمستان ۱۳۹۲
- ۲- حسن زاده، مهدی، اثر ارتباط دعاوی در دادرسی مدنی، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره هفتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۴
- ۳- هرمزی، خیراله، تغییر نحوه دعوی در دادرسی مدنی (مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه) فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۴۶، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۵
- ۴- هرمزی، خیراله، تغییر عناصر دعوی، شرحی بر ماده ۹۸ قانون آیین دادرسی مدنی، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۲